


The Role of Reference Groups and Social Capital in Social Mobility Motivation in Students

Shamsolmolouk Seifoddini-Khaleghi

Ph.D. Student in Sociology, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.


shammseif@gmail.com

 0009-0001-8752-6552

Amir-Masoud Amir-Mazaheri

Corresponding Author, Associate Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding author).


a.amirmazaheri@gmail.com

 0000-0002-7652-7058

Shahla Kazemipour

Associate Professor of Demographics, Faculty of Social Sciences, Tehran University, Tehran, Iran.


skazemipour@gmail.com

 0000-0003-4665-3210

Hossein Aghajani-Mersa

Associate Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

a_marsal333@yahoo.com

 0000-0001-5965-2052

Abstract

The concept of social mobility is an important topic in the social sciences which affects people's lives at both the micro and the macro level. The existence of greater opportunities for social mobility in a society implies that society can progress further. In this research, the role of two influencing variables on the Motivation of Social Mobility, including Reference Groups and Cultural Capital, has been investigated. A survey research technique was used and 381 students of Islamic Azad University of Science and Research Unit were selected using Cochran's formula. Because a valid measurement instrument did not exist, a researcher-made questionnaire was made to measure the research variables. The validity and reliability of the designed questionnaires were examined and confirmed. The results indicated that the variable of Reference Groups including Insiders and Outsiders could predict 21% and the variable of Cultural Capital including Embodied, Objectified and Institutionalized Capital could predict 30% of the variance of Social Mobility Motivation. It can be said that being a member of a group can lead to new behaviors and direct a person to social mobility. When a person has a higher cultural capital, he can convert it into other types of capital. Therefore, cultural capital can be an influential factor affecting social mobility.


Keywords: Social mobility motivation, Reference group, Cultural capital, Social base.

نقش گروه‌های مرجع و سرمایه فرهنگی در انگیزه تحرک اجتماعی دانشجویان^۱

شمس الملوک سیف‌الدینی خالقی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش گروه‌های اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.


shammseif@gmail.com

 0009-0001-8752-6552

امیر مسعود امیرمظاهری

دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).


a.amirmazaheri@gmail.com

 0000-0002-7652-7058

شبهلا کاظمی پور

دانشیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.


skazemipour@gmail.com

 0000-0003-4665-3210

حسین آقاچانی مرساء

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

a_marsa1333@yahoo.com

 0000-0001-5965-2052

چکیده

انگیزه تحرک اجتماعی از مباحث مهم علوم اجتماعی است که آثار فراوانی در سطح خرد و کلان بر زندگی افراد دارد. هرچه امکان تحرک اجتماعی در جامعه‌ای بالاتر باشد آن جامعه می‌تواند توسعه‌یافتگی بیشتری را تجربه کند. در پژوهش حاضر نقش دو متغیر اثرگذار بر انگیزه تحرک اجتماعی شامل گروه‌های مرجع و سرمایه فرهنگی بررسی شده است. برای نیل به این هدف از روش پژوهشی پیمایش استفاده شد و از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۳۸۱ نفر با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شد. به علت در دسترس نبودن ابزار سنجش معتبر جهت اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شد. روایی و پایایی پرسش‌نامه‌های طراحی شده بررسی و تأیید شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که متغیر گروه‌های مرجع شامل خودی و غیر خودی توانست ۲۱ درصد و متغیر سرمایه فرهنگی شامل سرمایه تجسم‌یافته، عینیت یافته و نهادینه‌شده ۳۰ درصد از واریانس انگیزه تحرک اجتماعی را پیش‌بینی کنند. عضویت

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>) CC BY-NC-ND است.

در یک گروه می‌تواند به رفتارهای جدیدی منتج شود و فرد را به سمت تحرک اجتماعی رهنمون سازد. وقتی فرد سرمایه فرهنگی بالاتری دارد می‌تواند آن را به سرمایه‌های دیگر تبدیل کند؛ بنابراین سرمایه فرهنگی از عوامل تأثیرگذار بر تحرک اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: انگیزه تحرک اجتماعی، گروه مرجع، سرمایه فرهنگی، پایگاه اجتماعی.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

CC BY 4.0



doi 10.22034/SCS.2023.396811.1445

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

در جوامع نوین به دلیل جریان وسیع و سریع تغییرهای اجتماعی و فرهنگی نسبت به جوامع سنتی، تلاش برای گسترش مفاهیم اجتماعی افزایش یافته است. تحرک اجتماعی یکی از این مفاهیم است که دارای اهمیت شایان توجهی است به شکلی که می‌توان پیشرفت جوامع را در بخش‌های مختلف با میزان تحرک اجتماعی آنها سنجید با توجه به این دیدگاه لیاقت، شایستگی و استعداد می‌تواند انگیزه‌ای برای تحرک اجتماعی شده و پایگاه اجتماعی فرد را تغییر دهد. از این‌رو در این دیدگاه، خاستگاه طبقاتی افراد سرنوشت آنها را تعیین نمی‌کند. مطالعه این جابه‌جایی‌ها، علت‌ها، مدل‌ها و پیامدها موضوع مطالعه «تحرک اجتماعی» است. تحرک اجتماعی، یکی از مباحث مهمی است که در تبیین تغییرهای اجتماعی، روند توسعه، تعیین میزان نابرابری و ساختار قشربندی و طبقات اجتماعی، میزان باز یا بسته بودن جامعه و نظایر آن، به کار می‌رود. تحرک اجتماعی بر اساس تعریف، به جابه‌جایی افراد و گروه‌ها از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر اطلاق می‌شود.

بلا و دانکن^۱ معتقدند که جامعه‌ای نوین، پویا و مبتنی بر عدالت و برابری است که مهم‌ترین مناصب را شایسته‌ترین افراد به عهده بگیرند که این امر مستلزم وجود تحرک اجتماعی است (مجدالدین، ۱۳۹۶). همچنین، در جوامع صنعتی جدید، تحرک اجتماعی بالا امری ضروری برای انسجام اجتماعی است (Lipset & Bendix, 2018). گلاس^۲ هم معتقد است که تحرک اجتماعی، کارایی اقتصادی و اجتماعی را افزایش می‌دهد (زارع و لطفی، ۱۳۹۴). از سوی دیگر الگوهای تحرک می‌تواند بر سازمان سیاسی تأثیر بگذارد. طبق نظر لیپسیت و بندیکس در جوامعی که از تحرک اجتماعی بالایی برخوردارند، گروه‌ها و احزاب سیاسی نمی‌توانند به راحتی از مردم برای ارتقاء گروه و طبقه خاصی استفاده کرده و برای خود هوادار جمع کنند (غفاری و حقیقتیان، ۱۳۹۶). به عبارتی می‌توان گفت وجود میزان زیاد تحرک اجتماعی در جامعه می‌تواند در جلوگیری از جنبش‌ها، مؤثر باشد (هاشم‌زهی و قدیمی، ۱۳۹۹). همچنین، تحرک اجتماعی از نقطه نظر فردی باعث می‌شود که افراد احساس پوچی و بیهودگی نکرده و هم‌نواایی بیشتری با جامعه داشته باشند (زارع و لطفی، ۱۳۹۴). با وجود پیامدهای مثبت و میزان اهمیت بالای تحرک اجتماعی، مطالعات نشان

1. Blau & Dancan

2. Glass

داده‌اند که فقط ۳۰ درصد مردم تهران تحرک اجتماعی صعودی داشته‌اند که میانگین آن در دامنه‌ای از صفر تا صد، برابر ۲۰ بود (هاشم‌زهی و قدیمی، ۱۳۹۹). همچنین، در مطالعه‌ای دیگر نشان داده شد که بیشترین میزان تحرک اجتماعی مربوط به گروه دارای تحرک نزولی، سپس گروه بدون تحرک، و در وهله بعد گروه دارای تحرک صعودی بوده است (زارع و لطفی، ۱۳۹۲). مطالعه اخیر هم در شهر شیراز نشان داد که میزان تحرک اجتماعی از رقم متوسط پایین‌تر است (خسروی و دیگران، ۱۴۰۰).

از سویی دیگر می‌توان گفت یکی از وجوه مهم تحرک اجتماعی، انگیزه افراد برای تحرک است که نشان می‌دهد افراد به چه میزانی انگیزه و تمایل برای تغییر جایگاه خود در جامعه دارند. همچنین در هر جامعه‌ای، دانشجویان جزو قشر جوان، تحصیل کرده و نیروی کار آینده هستند و دارای اهمیتی اساسی‌اند. از این رو آشنایی با دیدگاه و رفتار آنان می‌تواند در شناسایی ضرورت‌های فکری کنونی و در پیش‌بینی تحول‌های فرهنگی اجتماعی آتی مؤثر باشد. در حالی که مطالعه دیگری نشان داده است که ۷۰ درصد دانشجویان به میزانی بالاتر از متوسط دچار تنبلی اجتماعی هستند (فیروزجائیان و شریفی، ۱۳۹۶). مطالعه اخیر دیگری نشان داده‌اند صرف‌نظر از میزان واقعی تحرک اجتماعی، خصلت‌های ناسازگار با تحرک مانند مسئولیت‌ناپذیری، کم‌کاری و تن‌پروری در میان شهروندان بالا بوده است (موسوی و جوادی، ۱۳۹۷). حتی آمارها نشان می‌دهند میزان تنبلی اجتماعی در ایران (۷۸/۱۱) از دو برابر کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی (۳۵/۳۶) هم بیشتر است (رحیمی‌زاده، ۱۳۹۵). این موارد نشان می‌دهند که میزان انگیزه تحرک اجتماعی در ایران و در بین دانشجویان در سطح مطلوبی قرار ندارد و افراد انگیزه چندانی برای تلاش بیشتر و ارتقای طبقه اجتماعی خود ندارند که این امر خود لزوم توجه به مسئله انگیزه تحرک اجتماعی را پُررنگ‌تر می‌کند. از این رو در پژوهش حاضر به دنبال بررسی انگیزه تحرک اجتماعی و عوامل مهم تأثیرگذار بر آن هستیم.

بر اساس مطالعات، عوامل زیادی وجود دارند که می‌توانند بر میزان انگیزه تحرک اجتماعی اثرگذار باشند که یکی از آنها گروه‌های مرجع است. گروه مرجع منبع مهمی برای هویت دادن به افراد و ایجاد ارزش‌ها، هنجارها و رفتارها در آنان است. تحقیقات پیکتی^۱ نشان داد که گروه‌های مرجع می‌توانند بر انتظارات تحرک

1. Piketty

اجتماعی، میزان تلاش افراد و موقعیت اقتصادی افراد تأثیر بگذارند و سازوکاری برای انتقال مزیت‌های اجتماعی بین‌نسلی به‌وجود آورند. به‌عبارتی فضای اطراف آدم‌ها بر میزان تحرک اجتماعی آنها تأثیر می‌گذارد. قرار گرفتن در محیط‌هایی که شرایط اجتماعی اقتصادی مطلوبی دارند می‌تواند سبب تحرک اجتماعی در افراد شود (Chetty & et al., 2014). از جمله مصادیق گروه مرجع در بین دانشجویان ایرانی می‌توان به نگرش و دیدگاه آنها نسبت به ایرانی بودن خود، پیشرفت و آبادانی کشور و مهاجرت اشاره کرد. نتایج پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که ۵۱/۲ درصد دانشجویان گرایش متوسط و ۳۳/۶ درصد از دانشجویان گرایش بالایی برای مهاجرت از کشور داشته‌اند (شهریاری‌پور، ۱۳۹۵). از این‌رو پیش‌بینی می‌شود که تمایل به گروه‌های مرجع غیرخودی در پژوهش حاضر هم بالاتر باشد.

یکی دیگر از عوامل مهم اثرگذار بر انگیزه تحرک اجتماعی، سرمایه فرهنگی است. تمایل‌های ماندگار فرد که حاصل فرایند اجتماعی شدن است سرمایه فرهنگی نامیده می‌شود. سرمایه فرهنگی ابزار فرهنگی باارزش و ملموسی مثل نقاشی، تحصیلات رسمی، مهارت‌های بین‌شخصی و غیررسمی و ناملموس مانند: عادات‌ها، روش‌ها، شبکه‌های ساخت زبان، سلیقه‌ها، قریحه‌ها و غیره را دربرمی‌گیرد (بحری‌پور و دیگران، ۱۳۹۱). در این زمینه بوردیو معتقد است که در جوامع ثروتمند و مرفه غربی بعد از جنگ، «سرمایه فرهنگی» اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده شانس به‌دست‌آوردن موقعیت‌های اجتماعی برای افراد شده است و توزیع نابرابر آن، تحت عنوان‌هایی مانند استعداد فردی و شایسته‌سالاری دانشگاهی، سبب ادامه‌یافتن سلسله مراتب اجتماعی گردیده است. از این‌رو می‌توان گفت عادات، ارزش‌ها، هنجارها و باورها به عنوان عناصری فرهنگی بر تحرک اجتماعی تأثیر می‌گذارند (استونز، ۱۳۹۳).

مصادیق سرمایه فرهنگی در پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

- ۱- نداشتن مشکل در بیان مطالب و مباحث (سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته)،
- ۲- فعالیت‌های متنوع فرهنگی و هنری (سرمایه عینیت‌یافته)،
- ۳- ارج نهادن به مدارج علمی (سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده).

۱. اهداف پژوهش

اهداف پژوهش عبارت بودند از:

- ۱- بررسی نقش گروه‌های مرجع در انگیزه تحرک اجتماعی دانشجویان؛
- ۲- بررسی نقش سرمایه فرهنگی در انگیزه تحرک اجتماعی دانشجویان.

۲. پرسش‌های پژوهش

- ۱- آیا گروه مرجع دانشجویان می‌تواند در انگیزه تحرک اجتماعی آنان نقش داشته باشد؟
- ۲- آیا سرمایه فرهنگی دانشجویان می‌تواند در انگیزه تحرک اجتماعی آنان نقش داشته باشد؟

۳. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- گروه‌های مرجع در انگیزه تحرک اجتماعی دانشجویان نقش دارند.
- ۲- سرمایه فرهنگی در انگیزه تحرک اجتماعی دانشجویان نقش دارد.

۴. پیشینه پژوهش

مهدی‌لو (۱۳۹۹) جهت بررسی زمینه تحرک اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن با تأکید بر سرمایه فرهنگی از نمونه‌ای مشتمل بر ۳۲۱ نفر از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان ارومیه استفاده نمود. روش پژوهش، پیمایش و داده‌ها از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. یافته‌ها نشانگر رابطه معنادار و مستقیمی بین سرمایه فرهنگی با میزان تحرک اجتماعی بود. همچنین، در این پژوهش رابطه‌ای معنادار و معکوس بین سرمایه فرهنگی خانواده و نیز پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین با تحرک اجتماعی یافت شد. یعنی، خانواده‌هایی که پایگاه اجتماعی اقتصادی و سرمایه فرهنگی پایینی داشتند، تحرک اجتماعی رو به بالا را بیشتر تجربه کردند.

کرمی (۱۳۹۹) پژوهشی در خصوص تحرک اجتماعی (بین‌نسلی) زنان شهر دهلران با بررسی عوامل جامعه‌شناختی تأثیرگذار انجام داد. این مطالعه پیمایشی بوده و جامعه آماری آن شامل ۳۷۳ زن دهلرانی بود. یافته‌ها نشان داد که نسل دختران در مقایسه با مادران شاهد تحرک اجتماعی صعودی بوده‌اند. همچنین، بین متغیرهای مستقل که شامل: درآمد ماهیانه که یکی از عوامل اصلی تحرک اجتماعی می‌باشد، شبکه‌های اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی توانمندسازی روان‌شناختی، و مدیریت بدن با متغیر وابسته یعنی تحرک اجتماعی بین نسلی زنان رابطه مستقیم و معناداری وجود داشت.

غفاری و حقیقتیان (۱۳۹۶) اثرگذاری سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته (ذهنی) بر تحرک اجتماعی (میان‌نسلی) را بررسی کردند. روش تحقیق پیمایشی بود و داده‌ها از طریق پرسش‌نامه محقق‌ساخته گردآوری شد. نمونه شامل ۳۸۴ نفر از شهروندان ۳۰

تا ۵۴ ساله شهر گرگان بود. نتایج حاکی از آن بود که ۸/۶ درصد پاسخگویان دارای تحرک میان‌نسلی نزولی، ۲۴ درصد دارای تحرک میان‌نسلی افقی و ۶۷/۴ درصد دارای تحرک میان‌نسلی صعودی بودند. همچنین، بین سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته با تحرک اجتماعی میان‌نسلی افراد، در سطح ضریب اطمینان بیش از ۹۵ درصد، رابطه وجود داشت.

لطفی (۱۳۸۷) در پژوهشی، رابطه بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی (بر اساس سه بُعد سرمایه فرهنگی محاط شده، نهادینه و عینیت یافته) و تحرک اجتماعی را مورد بررسی قرار داد. این مطالعه پیمایشی بود و داده‌ها از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه حضوری گردآوری شدند. جامعه آماری شامل کلیه کارکنان کادر درمانی، بیمه تأمین اجتماعی بود که حجم نمونه شامل ۳۰۰ نفر بود. متفاوت بودن پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد نسبت به پدر عامل مهمی بود که تحرک اجتماعی را موجب شد. نتایج نشان داد که همبستگی قوی و معناداری بین تحرک اجتماعی با ترکیب خطی متغیرهای سرمایه فرهنگی محاط شده، عینیت یافته و نهادینه شده، و با ابعاد سرمایه اجتماعی، که شامل شبکه‌های غیررسمی و رسمی، اعتماد، اندازه و ظرفیت شبکه بود، وجود داشت.

زی و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تحرک اجتماعی بین‌نسلی در چین پس از انقلاب»^۲ به بررسی تحرک اجتماعی بین‌نسلی در چین و مقایسه آن با آمریکا پرداختند. این پژوهش نیز مطالعه‌ای ثانویه از روی پیمایش‌های ملی چین در سال‌های متوالی پس از ۱۹۴۹ بود. تحرک اجتماعی شامل تحرک شغلی و تحصیلی بود. نتایج نشان داد چین در این سال‌ها تحرک شغلی سریعی را به علت صنعتی شدن پشت‌سر گذاشته است که در سال‌های اخیر رو به کاهش بوده است. در مورد تحصیلات هم همین الگو دیده شد، ولی بر اساس جنسیت تفاوت فاحشی بین آنها بود. به‌صورتی که زنان روستایی و مسن‌تر از چنین تحرک‌هایی جا مانده بودند. درحالی که در آمریکا تحرک اجتماعی در هر دو شاخص نسبتاً ثابت بوده است. هرچند با وجود کاهش تحرک اجتماعی در سال‌های اخیر، در چین هنوز هم از آمریکا بیشتر است (جز در مورد تحرک تحصیلی زنان که در آمریکا بالاتر است).^۳ دودین^۴ و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تحرک اجتماعی در آلمان»^۴

1. Xie

2. Trends in social mobility in postrevolution China

3. Dodin

4. Social Mobility in Germany

به بررسی ارتباط بین وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان و درآمد والدینشان پرداختند. این مطالعه، پژوهشی ثانویه بوده و در آن از داده‌های سرشماری استفاده شده و تعداد نمونه ۵۲۶ هزار نفر بوده است. نتایج نشان داد که بازای افزایش ۱۰ درصدی در درآمد والدین، به ۵/۲ درصد بهبود وضعیت تحصیلی منجر شده است. همچنین، در سطح منطقه‌ای تفاوت‌های زیادی در این میزان وجود داشته است که بیشتر از اینکه متأثر از انواع خانوارها بوده باشد متأثر از تأثیرهای منطقه بوده است.

دلاجارا و همکاران^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با عنوان «تحرك اجتماعی در مکزیك، از تغییرهای منطقه‌ای چه چیزی می‌توان آموخت؟»^۲ به بررسی تحرك اجتماعی بین نسلی در مکزیك پرداختند تا دریابند آیا تحرك اجتماعی در مناطق فقیرنشین و ثروتمندنشین با هم تفاوتی داشته است یا نه؟ این مطالعه، پژوهشی ثانویه با استفاده از داده‌های دو پیمایش ملی در مکزیك بوده است. مشارکت‌کنندگان ۲۵ تا ۶۴ ساله و مجموعاً ۵۰ هزار نفر بودند. در این مطالعه پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد در این مناطق بر اساس شاخص‌هایی مانند کالاهای مصرفی، خدمات و تحصیلات فرزندان و والدین مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داد که یک الگوی شمال به جنوب در تحرك اجتماعی دیده می‌شود. به این معنا که فرزندان خانواده‌های فقیر در مناطق شمالی تحرك رو به بالای بیشتری نسبت به مناطق جنوبی و مرکزی تجربه کرده‌اند که نشان از تأثیر منطقه بر تحرك اجتماعی بوده است.

همان‌طور که بررسی مطالعات نشان می‌دهد پژوهش‌های مذکور یا پیمایشی بودند و یا ثانویه که در آنها جامعه‌های آماری گوناگون بررسی شدند. نتایج پژوهش‌ها اغلب نشانگر تأثیر عواملی مانند تحصیلات، منطقه محل زندگی، درآمد والدین، انواع سرمایه‌های فرهنگی، گروه‌های مرجع و غیره بر تحرك اجتماعی است. ولی همان‌طور که مشاهده می‌شود مطالعات اغلب تحرك واقعی را سنجیده‌اند و به انگیزه تحرك اجتماعی نپرداخته‌اند. از این رو، پژوهش حاضر بر بررسی این مفهوم متمرکز است. همچنین، این پژوهش به بررسی نقش گروه مرجع خودی و غیر خودی در ارتباط با انگیزه تحرك اجتماعی می‌پردازد.

1. Delajara

2. Social mobility in Mexico. What can we learn from its regional variation?

۵. چهارچوب نظری پژوهش

اصطلاح تحرک اجتماعی^۱ به جابه‌جایی افراد و گروه‌ها از یک پایگاه اجتماعی - اقتصادی به پایگاه اجتماعی - اقتصادی دیگر منجر می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۱). تحرک اجتماعی، معمولاً متأثر از گردش طبقات از طریق تغییر شغل، کسب درآمد بیشتر، برخورداری از تحصیلات و آموزش بیشتر، روابط خانوادگی و خویشاوندی است. در این زمینه کارکردگرایان، علت اصلی تحرک اجتماعی کم را، کمبود یا نبود ارزش‌ها و هنجارهایی می‌دانند که موجب توسعه فردی و درنهایت توسعه اجتماعی می‌شوند. هنجارهای توسعه‌بخش مشوق کار، تلاش، پیشرفت، سرمایه‌داری و کارآفرینی هستند. در صورتی که نظریه‌پردازان انتقادی میزان تحرک اجتماعی در جامعه را با ساختارهای اجتماعی مرتبط می‌دانند و وجود تحرک اجتماعی را به ساختارهای اقتصادی و سیاسی نسبت می‌دهند (گیدنز، ۱۳۸۱). عوامل زیادی وجود دارد که می‌تواند بر میزان تحرک اجتماعی در یک جامعه اثر بگذارد که یکی از آنها گروه مرجع است.

گروه مرجع گروهی است که فرد خود را با آن یکی دانسته، اندیشه‌ها و رفتارش را از آن می‌گیرد و همواره درستی یا نادرستی اندیشه و رفتارش را با معیارهای آن می‌سنجد. لزوماً گروه مرجع، گروهی نیست که فرد بدان تعلق داشته باشد بلکه فرد در آرزوی عضویت و یا تداوم عضویت خویش در آن است.

گروه مرجع دو کارکرد مهم دارد: یکی کارکرد دستوردهی یا هنجارگزاری، به این معنی که به فرد دستور می‌دهد که فلان رفتار یا عمل یا حتی اندیشه مجاز یا غیرمجاز است؛ دیگری کارکرد ارزش‌سنجی است، به این معنی که فرد با الگوهای گروه مرجع رفتار خود و دیگران را ارزیابی و درجات درستی یا نادرستی آن را درمی‌یابد (آراسته‌خو، ۱۳۸۱).

همان‌گونه که مید می‌گوید، ارزش‌های عمده دیگران، آیین‌های می‌سازد که فرد تصویر خود را ببیند و به خودسنجی برسد (مرتون، ۱۳۸۵). تردیدی نیست که فرد در مراحل اولیه جامعه‌پذیری تحت تأثیر معیارها، ارزیابی و نگرش‌های گروه‌های عضویتی قرار دارد. به عبارت دیگر، گروه‌های مرجع در مراحل اولیه همان گروه‌های عضویتی هستند. تدریجاً تحت تأثیر برخی عوامل این گروه‌های عضویتی جای خود را به گروه‌های غیرعضویتی می‌دهند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نظام‌های باز مشوق نرخ بالا و نظام‌های بسته مشوق نرخ پایین ارجاع مثبت به گروه‌های غیرعضویتی هستند. در نظام‌های باز، جهت‌یابی مثبت به گروه‌های غیرعضویتی با پذیرش بعدی در گروه پاداش داده می‌شود. در یک نظام بسته، این موضوع اکثراً به عقیم شدن مقاصد و پایگاه حاشیه‌ای تبدیل می‌شود. در جوامعی که کنترل اجتماعی شدید است و فرایند اجتماعی شدن به‌نحو کامل صورت می‌گیرد و درعین حال مقاومت فرد در برابر جمع ضعیف است، قاعداً گروه مرجع همان گروه عضویتی است. ساختار بسته اجازه راه‌یابی به گروه‌های دیگر را فراهم نمی‌کند. در جوامعی که ساختار اجتماعی بسته ولی فرایند اجتماعی شدن ناقص است و کنترل اجتماعی ضعیف است، افراد به گزینش گروه مرجع از گروه غیرعضویتی تمایل می‌یابند. انتخاب گروه غیرعضویتی به‌عنوان گروه مرجع ناشی از عدم نیاز فرد به روابط رودررو در مناسبات خود با گروه مرجع است (مرتون، ۱۳۸۵). می‌توان گفت غیرعضوها به این دلیل که تصور می‌کنند در صورت پیوستن به گروه جدید از پایگاه بالاتری برخوردار می‌شوند به این کار متمایل می‌شوند. درواقع پایگاه جدید در مقایسه با پایگاه فعلی آنان سنجیده می‌شود. اگرچه فرد در پایگاه بعدی موقعیت پایین‌تری در کل آن گروه دارد ولی چنین عضویتی برای او پایگاه بالاتری در مقایسه با عضویت قبلی او فراهم می‌کند؛ بنابراین اگرچه پیوستن آنها موجب خواهد شد از پایگاه قبلی بالاتر در گروه به پایگاه پایین‌تر در گروه جدید نزول کنند ولی باز دست به این کار می‌زنند؛ زیرا به نظرشان در کل از موقعیت بهتری برخوردارند. درواقع افرادی که در گروه قبلی طمع موقعیت بالاتری دارند ولی احتمال کمتری می‌دهند که به این موقعیت دست یابند، بیشتر از سایرین مستعد پیوستن به گروه جدید هستند (مرتون، ۱۳۸۵). ازاین‌رو می‌توان گفت گروه مرجع می‌تواند انگیزه‌ای قوی برای تحرک اجتماعی در فرد به‌وجود آورد. براین‌اساس، فرضیه اول پژوهش این است که گروه‌های مرجع در انگیزه تحرک اجتماعی افراد نقش دارند.

ازطرفی دیگر سرمایه فرهنگی می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار بر تحرک اجتماعی و ازجمله راه‌های پُر کردن شکاف میان اقتصاد و فرهنگ باشد (تراسبی، ۱۳۹۷). تراسبی سرمایه فرهنگی و سرمایه معمولی را متمایز می‌بیند و اعتقاد دارد که سرمایه فرهنگی می‌تواند توأماً ارزش فرهنگی و اقتصادی به‌وجود آورد؛ درحالی‌که سرمایه معمولی می‌تواند فقط ارزش اقتصادی ایجاد کند (تراسبی، ۱۳۹۷).
 بوردیو هم معتقد است که همه رسوم و نمادهای فرهنگی از سلايق هنری، نوع

پوشش، عادت‌های غذا خوردن گرفته تا دین، علم، فلسفه و زبان همگی تضمین کننده فوایدی هستند که به ایجاد تمایل‌ها بین افراد منجر می‌شوند (توسلی، ۱۳۸۳). بوردیو، انواع سرمایه فرهنگی را بدین ترتیب برمی‌شمارد:

- ۱- سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته: شامل فعالیت‌ها و مصرف فرهنگی است. این مورد نشانگر تمایل افراد و خانواده‌ها به بهره‌مندی از کالاهای فرهنگی است،
- ۲- سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته: این نوع سرمایه به مواردی مانند کتاب‌ها، نقاشی‌ها، کارهای هنری و ابزار علمی اشاره دارد. همچنین، بیانگر میزان گرایش خانواده و فرد به تملک کالاهای فرهنگی است،
- ۳- سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده: این نوع سرمایه به مدارک تحصیلی دانشگاهی و رسمی اشاره دارد (خالد و دیگران، ۱۳۹۲).

بوردیو با تبیین نظریه بازتولید فرهنگی (که معتقد است اقلشار بالا در جامعه تلاش می‌کنند تمایز فرهنگی بین خود و سایرین به‌وجود آورند و از این طریق برتری خود را در جامعه پایدار سازند) بر کارکرد نظام آموزشی و یکنوایی فرهنگ آنها با زمینه‌های فرهنگی کودکان تأکید می‌کند که خود سبب تداوم نابرابری‌های اجتماعی می‌شود. چراکه مهارت‌های کلامی و فرهنگی کودکان خانواده‌های محروم‌تر احتمالاً با مهارت‌های فرهنگی مدرسه همخوانی ندارند و به اندازه فرزندان طبقات متوسط و بالا، نمی‌توانند مدارج علمی را طی کنند (توسلی، ۱۳۸۳).

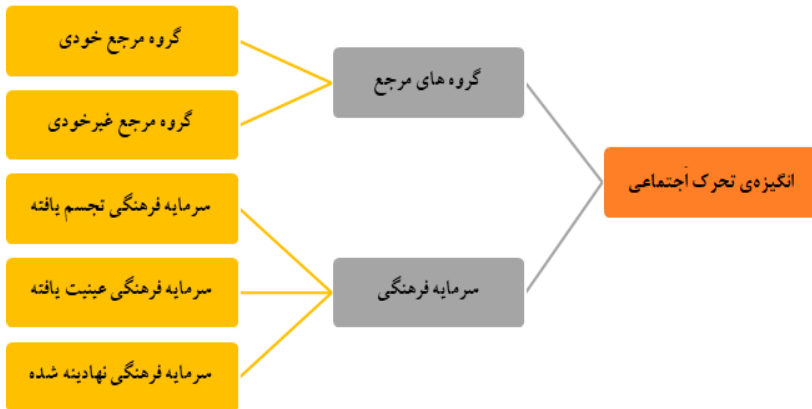
در همین راستا بوردیو معتقد است، نهادهای مردم‌سالارانه جدید (مانند مدرسه و دانشگاه) قادر نبوده‌اند بازتولید ساختار طبقاتی موجود را کاهش دهند. مطالعات وی نشان‌دهنده تمایل شدید به بازتولید ساختارهای اجتماعی موجود است؛ بنابراین بوردیو معتقد است که افراد در تلاش برای حفظ سرمایه فرهنگی خود و انتقال آن به نسل‌های بعدیشان هستند که این خود میزان تحرک اجتماعی را در جامعه کاهش می‌دهد. وی در مقایسه شغل پدران و پسران با توجه به جایگاه اجتماعی آنها نشان داد که تحرک اجتماعی و شغلی بسیار ناچیز است و افراد در هر گروه تلاش می‌کنند که «سرمایه» و مرتبت خود را حفظ کنند (توسلی، ۱۳۸۳).

در فرضیه اول پژوهش حاضر، کاربرد نظریه مرتون در خصوص گروه مرجع نسبت به ارزش‌های اجتماعی جامعه ایرانی مورد کنکاش قرار گرفت. مرتون معتقد است افرادی که در گروه قبلی طمع موقعیت بالاتری دارند ولی احتمال کمتری می‌دهند که به این موقعیت دست یابند بیشتر از سایرین مستعد پیوستن به گروه جدید هستند. از این رو می‌توان گفت گروه مرجع می‌تواند انگیزه‌های قوی برای تحرک

اجتماعی در فرد به وجود آورد.

در فرضیه دوم پژوهش از نظریه بوردیو استفاده شده است. در زمینه سرمایه فرهنگی وی معتقد است نهادهای مردم‌سالارانه جدید (مانند مدرسه و دانشگاه) قادر نبوده‌اند بازتولید ساختار طبقاتی موجود را کاهش دهند. مطالعات وی نشان‌دهنده تمایل شدید به بازتولید ساختارهای اجتماعی موجود است. براین‌اساس بوردیو معتقد است کسانی که از دانش فرهنگی برخوردار نیستند و یا با شکل‌های نادرستی از سرمایه فرهنگی سروکار دارند، به‌عنوان یک مانع پنهان در فرایند تحرک اجتماعی عمل می‌کنند.

بر اساس مطالب مذکور مدل نظری پژوهش حاضر به شکل زیر خواهد بود:



شکل (۱): مدل مفهومی تبیین تحرک اجتماعی دانشجویان

۶. روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از راهبرد تحقیق توصیفی و با روش پیمایش انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بود که در حدود ۵۰ هزار نفر بودند. روش نمونه‌گیری تصادفی به کار گرفته شد. با توجه به شرایط به‌وجود آمده بر اثر کرونا و عدم تشکیل کلاس‌های دانشگاهی نمونه‌گیری پژوهش حاضر به‌ترتیب زیر صورت گرفت: محقق تعداد نمونه مورد نیاز از هر دانشکده را محاسبه کرده و سپس در ورودی دانشکده‌ها حضور یافته و به‌طور تصادفی افراد در حال عبور را انتخاب کرده و در صورتی که شرایط ورود به پژوهش را داشتند، آنها را مورد سنجش قرار داد.

شایان ذکر است تعداد افراد شرکت‌کننده در پژوهش ۳۸۱ نفر بود که با استفاده از فرمول کوکران حاصل شد. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پژوهش حاضر به دلیل عدم وجود پرسش‌نامه‌ای معتبر برای متغیرهای پژوهش از پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته استفاده شد که مراحل عملیاتی کردن متغیرها و سؤال‌ها در جدول آمده است.

جدول (۱): تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

موقعیت شغلی	معتقدم که همیشه برای به‌دست آوردن یک شغل مناسب فرصت نیست، پس باید تلاش کرد.	انگیزه تحرک اجتماعی	گروه مرجع	
	پیدا کردن شغل خوب بیشتر به شانس بستگی دارد تا به سخت‌کوشی.			
	تمایل دارم با تلاش و کوشش خود به بالاترین حد از احترام و منزلت اجتماعی دست‌یابم.			
منزلت و پایگاه اجتماعی	داشتن مدرک تحصیلی بالاتر برای فرد منزلت و جایگاه ویژه‌ای به‌وجود می‌آورد.	آینده‌نگری		
معتقدم سرنوشت و تقدیر با آینده‌نگری و تلاش عوض می‌شود.	من بیشتر به فکر گذشته هستم تا آینده.			
موقعیت تحصیلی	به تحصیلاتم ادامه می‌دهم تا شغل مناسب‌تری پیدا کنم. تنها برای داشتن مدرک تحصیلی به دانشگاه آمده‌ام و قصد استفاده از آن را ندارم. مصمم هستم تحصیلاتم را تا بالاترین مقطع ادامه دهم.			
خودی	نگرش فرد به فرهنگ	تمایل دارم در جهت فرهنگ کشورم قدم بردارم.		خودی
	نگرش فرد به آبادی و پیشرفت کشور	تمایل دارم در کشورم بمانم و برای آبادی آن تلاش کنم.		
غیر خودی	تمایل به مهاجرت	تمایل دارم به یکی از کشورهای غربی مهاجرت کنم.		غیر خودی
	نگرش فرد به ایرانی بودن	از اینکه در ایران به دنیا آمده‌ام و ایرانی هستم بسیار غمگین و ناراحتم.		
	نگرش فرد به آبادی و پیشرفت کشورهای دیگر	به نظرم کشورهای غربی و پیشرفته خیلی جلوتر از زمان و کشور ما هستند.		

می‌توانم راهکارهای مناسبی برای وضعیت شغلی و زندگی خودم طراحی و تدوین نمایم.	تجسم‌یافته	بررسی جامعه فرهنگی
در بیان مطالب و مباحث جدید مشکلی ندارم.		
تمایل دارم در گروه‌های مردم‌نهاد (NGO) با فعالیت‌های متفاوت و متنوع فرهنگی، هنری و... و فرهنگسراهای سطح شهر، عضویت و فعالیت داشته باشم.	عینیت‌یافته	
به انواع موسیقی (سنتی، کلاسیک، مدرن، پاپ، جاز و...) علاقه دارم.		
معتقدم مدرک تحصیلی پدر باید بالا باشد.		
معتقدم مدرک تحصیلی مادر باید بالا باشد.	نهادینه‌شده	
تمایل دارم در دوره‌های آموزشی غیررسمی و غیرمرتبط با رشته و کارم شرکت کنم.		

گزینه‌های سؤال‌های طیف لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم بود که نمره‌گذاری به ترتیب از ۵ (کاملاً موافقم) به ۱ (کاملاً مخالفم) انجام شد. برای سنجش اعتبار محتوایی این پرسش‌نامه از نظر اساتید دانشگاه و خبرگان بهره گرفته شد. به این ترتیب که با برگزاری جلسه‌های متعدد با افراد خبره و کارشناس و همچنین جلسه‌های حضوری با اساتید دانشگاه، فرایند بررسی و اصلاح پرسش‌نامه انجام شد. روایی سازه نیز به وسیله آزمون تحلیل عاملی تأییدی آزموده شد که نتایج آن در بخش بعدی ارائه خواهد شد. از ضریب آلفای کرونباخ جهت تعیین پایایی سؤالات استفاده شد. نتایج نشان داد که آلفای کرونباخ برای متغیر انگیزه تحرک اجتماعی برابر ۰/۸۶، برای گروه مرجع ۰/۸۲ و برای سرمایه فرهنگی ۰/۸۰ بود.

۶-۱. بررسی اعتبار پرسش‌نامه انگیزه تحرک اجتماعی

بررسی ساختار سؤال‌ها برای این مقیاس با ۹ سؤال از طریق تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس صورت پذیرفت. در این مطالعه آماره KMO برابر با ۰/۷۳۴ بود. آماره بارتلت با مقدار ۲۸۲۸/۳۶، درجه آزادی ۳۶ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ نشان داد که این پیش‌فرض حائز اعتبار است و شرایط برای انجام تحلیل عاملی مهیا است. با بررسی بارهای عوامل با ساختار مقیاس در مجموع چهار عامل استخراج شد که سؤال‌ها بیشترین بار عاملی را بر روی این عوامل داشتند که ۹۲/۱۰ درصد از واریانس کل مقیاس را تبیین کرد. سپس از تحلیل عاملی تأییدی

استفاده شد که در آن شاخص‌های برازش مدل همگی در وضعیت مناسب و مطلوب قرار داشتند که نشان داد پرسش‌نامه از روایی قابل قبولی برخوردار است.

۲-۶. بررسی اعتبار پرسش‌نامه گروه مرجع

بررسی ساختار سؤال‌ها برای مقیاس با ۵ سؤال از طریق تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس صورت پذیرفت. آماره KMO برابر با ۰/۸۷۷ بود. آماره بارتلت با مقدار ۱۹۰۷/۸۴، درجه آزادی ۱۰ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ نشان داد که این پیش‌فرض حائز اعتبار است و شرایط برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی برقرار است. سپس از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد و نتایج نشان داد که شاخص‌های برازش مدل همگی در وضعیت مطلوب قرار دارند؛ بنابراین پرسش‌نامه از روایی قابل قبولی برخوردار است.

۳-۶. بررسی اعتبار پرسش‌نامه سرمایه فرهنگی

بررسی ساختار سؤال‌ها برای مقیاس سرمایه فرهنگی با ۷ سؤال نیز از طریق تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس انجام گرفت. در این مطالعه آماره KMO برابر با ۰/۷۲ بود. آماره بارتلت با مقدار ۲۱۲۴/۲۷۹، درجه آزادی ۲۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ حاکی از آن بود که این پیش‌فرض حائز اعتبار است و شرایط برای انجام تحلیل عاملی مهیا است. سپس از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد و نتایج نشان داد که شاخص‌های اصلی برازش مدل همگی در وضعیت مطلوب و مناسب قرار دارند؛ بنابراین پرسش‌نامه از روایی قابل قبولی برخوردار است.

۷. یافته‌های پژوهش

۱-۷. یافته‌های توصیفی

در پژوهش حاضر تعداد نمونه ۳۸۱ نفر بود که ۶۲/۷ درصد از افراد را زنان و ۳۲/۸ درصد را مردان تشکیل دادند. ویژگی‌های دیگر شرکت‌کنندگان شامل گروه سنی، مقطع تحصیلی، طبقات (در جدول ۲) گزارش شده است. قابل ذکر است که طبقه اجتماعی شرکت‌کنندگان پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان است که از شاخص‌های درآمد خانواده، شغل و تحصیلات پدر و مادر به دست آمده است.

جدول (۲): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

پایگاه اقتصادی - اجتماعی		مقطع تحصیلی		گروه سنی	
درصد فراوانی	طبقات خانواده	درصد فراوانی	مقطع تحصیلی	درصد فراوانی	گروه سنی
۱۵/۴۸	پایین	۳/۹	کاردانی	۴۸/۰	۱۸-۲۵
۳۴/۶۴	روبه پایین	۷۱/۹	کارشناسی	۱۶/۵	۲۶-۳۵
۳۸/۰۵	متوسط	۱۴/۷	کارشناسی ارشد	۲۶/۵	۳۶-۴۵
۹/۹۷	روبه بالا	۱/۳	دکتری حرفه‌ای	۸/۴	۴۶-۵۵
۱/۸۳	بالا	۸/۱	دکتری تخصصی	۰/۵	۵۶-۶۵
۱۰۰/۰	کل	۱۰۰/۰	کل	۱۰۰	کل

۱-۷. توزیع پاسخگویان بر حسب میزان انگیزه تحرک اجتماعی، گروه مرجع و انواع سرمایه فرهنگی

نتایج (جدول ۳) حاکی بود که در متغیر انگیزه تحرک اجتماعی بیشتر افراد (۶۷/۵ درصد) دارای انگیزه تحرک اجتماعی متوسط بوده‌اند. در مورد گروه مرجع می‌توان گفت ۵۶/۸ درصد شرکت‌کنندگان دارای گروه مرجع غیر خودی بودند. قابل ذکر است در ادامه از شاخص سرمایه فرهنگی که دربرگیرنده هر سه بُعد تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه شده است، استفاده شده است.

جدول (۳): وضعیت توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای اصلی پژوهش

درصد فراوانی	وضعیت	متغیرها
۱۰/۳	پایین	انگیزه تحرک اجتماعی
۶۷/۵	متوسط	
۲۲/۲	بالا	
۴۳/۲	خودی	گروه مرجع
۵۶/۸	غیر خودی	
۵۲/۸	کم	سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته
۴۷/۲	زیاد	

متغیرها	وضعیت	درصد فراوانی
سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته	کم	۵۲/۵
	زیاد	۴۷/۵
سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده	کم	۴۸/۶
	زیاد	۵۱/۴

۲-۷. تحلیل استنباطی و روابط بین متغیرها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از تحلیل واریانس چندمتغیره و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. همچنین، تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی برای بررسی ویژگی‌های آماری پرسش‌نامه‌های انگیزه تحرک اجتماعی، گروه‌های مرجع و سرمایه فرهنگی به کار گرفته شد. قابل ذکر است برای انجام تحلیل‌های فوق از نرم‌افزارهای SPSS 26 و R استفاده شد.

۲-۷-۱. یافته‌های مرتبط با فرضیه اول: نقش گروه‌های مرجع در

انگیزه تحرک اجتماعی دانشجویان

برای بررسی نقش گروه مرجع و پیش‌بینی انگیزه تحرک اجتماعی از رگرسیون چندگانه استفاده شد تا مشخص شود گروه مرجع چند درصد از واریانس انگیزه تحرک اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند. نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که گروه مرجع ۲۱ درصد از واریانس انگیزه تحرک اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند (جدول ۴). همچنین، ضرایب بتا برای گروه مرجع حاکی از این بود که این مقدار برای مؤلفه‌های گروه مرجع معنادار است و می‌تواند پیش‌بین خوبی برای انگیزه تحرک اجتماعی باشد.

جدول (۴): نتایج ضرایب رگرسیون چندگانه گروه مرجع بر روی انگیزه تحرک اجتماعی

adj R ²	R ²	P	F	sig	t	β	Std. E	b	پیش‌بین
۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۰۰۱	۵۲/۲۹						رگرسیون
				۰/۰۲	۲/۴۱	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۲۹	گروه مرجع خودی
				۰/۰۰۱	۷/۳۷	۰/۳۹	۰/۰۹	۰/۶۶	گروه مرجع غیر خودی

۲-۲-۷. یافته‌های مرتبط با فرضیه دوم: نقش سرمایه فرهنگی در انگیزه تحرک اجتماعی دانشجویان

برای اینکه مشخص شود سرمایه فرهنگی چند درصد از واریانس انگیزه تحرک اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند، سرمایه فرهنگی بر روی انگیزه تحرک اجتماعی رگرسیون داده شد. نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که سرمایه فرهنگی ۳۰ درصد از واریانس انگیزه تحرک اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین، معناداری آزمون F تأییدکننده نتایج به‌دست آمده از رگرسیون چندگانه بود (جدول ۵).

نتایج ضرایب بتا حاکی از این بود که مؤلفه‌های تجسم‌یافته، نهادینه‌شده، و عینیت‌یافته سرمایه فرهنگی پیش‌بین خوبی برای انگیزه تحرک اجتماعی هستند.

جدول (۵): نتایج ضرایب رگرسیون چندگانه سرمایه فرهنگی بر روی انگیزه

تحرک اجتماعی

adj R ²	R ²	P	F	sig	t	β	Std. E	b	پیش‌بین
۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۰۰۱	۵۴/۹۸						رگرسیون
				۰/۰۰۱	۳/۳۳	۰/۲۱	۰/۱۰	۰/۳۳	تجسم‌یافته
				۰/۰۱	۲/۵۹	۰/۱۵	۰/۱۰	۰/۲۷	عینیت‌یافته
				۰/۰۰۱	۴/۴۰	۰/۲۷	۰/۱۰	۰/۴۳	نهادینه‌شده

۳-۲-۷. مدل مفهومی

در ادامه متغیرهای انگیزه تحرک اجتماعی، گروه‌های مرجع، سرمایه فرهنگی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده فرد مجموعاً وارد مدل شدند. شاخص‌های برازش به‌دست آمده از برازش مدل همگی در سطح مناسب و مطلوب بودند و نشان دادند که مدل از برازش خوبی برخوردار است. ضرایب به‌دست‌آمده از اثر مستقیم گروه

مرجع ($\beta=0/38, p>0/01$)، سرمایه فرهنگی ($\beta=0/42, p>0/01$) و پایگاه اقتصادی - اجتماعی ($\beta=-0/26, p>0/01$) بررسی شد که نتایج به دست آمده نشان داد که متغیر گروه مرجع، سرمایه فرهنگی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی به صورت مستقیم می‌توانند انگیزه تحرک اجتماعی را پیش‌بینی کنند؛ بنابراین می‌توان گفت هر چه سرمایه فرهنگی فرد بالاتر و پایگاه اقتصادی - اجتماعی او پایین‌تر باشد و فرد بیشتر به گروه‌های مرجع غیر خودی متمایل باشد، انگیزه تحرک اجتماعی او نیز بیشتر است (جدول ۶).

جدول (۶): ضرایب استاندارد شده، مستقیم، غیرمستقیم و کل در مدل مفهومی پژوهش

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
انگیزه تحرک اجتماعی:					0/49
گروه مرجع	0/38*	-		0/38*	
سرمایه فرهنگی	0/42*	-		0/42*	
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	-0/26	-		-0/26	

نتیجه‌گیری

فرضیه اول: گروه‌های مرجع در انگیزه تحرک اجتماعی دانشجویان نقش دارند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که گروه‌های مرجع خودی و غیر خودی می‌توانند ۲۱ درصد از واریانس انگیزه تحرک اجتماعی را تبیین کنند. همچنین، نقش گروه مرجع خودی و گروه مرجع غیر خودی بر تحرک اجتماعی متفاوت است به صورتی که ارتباط بین گروه‌های مرجع غیر خودی و انگیزه تحرک اجتماعی قوی‌تر از ارتباط بین گروه‌های مرجع خودی و انگیزه تحرک اجتماعی است.

در تبیین یافته فوق می‌توان گفت افراد یک گروه با آگاه شدن از موقعیت خود در یک ساختار اجتماعی و منسوب کردن خود به آن گروه، جهت‌گیری‌های ویژه‌ای هم در نگرش و هم در رفتار به دست می‌آورند. صفات مشترک بین اعضای یک گروه باعث می‌شود عادت‌واره‌ها، سبک زندگی و انتظارات خاص گروهی به وجود آید که خود می‌تواند به هویت جمعی شکل دهد و به رفتارهای خاصی بیانجامد (دوکس و ماژور، ۱۹۵۵)؛ بنابراین عضویت در یک گروه و یا تمایل به عضویت در یک گروه می‌تواند به رفتارها و دیدگاه‌های جدیدی منتج شود و احتمالاً فرد را به سمت

تحرك اجتماعى رهنمون سازد.

از دیدگاهی دیگر می‌دانیم که فرد پیوسته خود را با معیارهای گروه مرجع مقایسه می‌کند و پیوسته سعی دارد که خودش را با هنجارهای گروه مرجع وفق دهد (Iversen, 2017) برای مثال وقتی فردی که متعلق به طبقه اجتماعی پایین‌تری است، اگر فقط خود را با گروه‌های مرجع خودی مقایسه کند، به اندازه آنها تلاش می‌کند، به اندازه آنها بلندپروازی می‌کند و سعی می‌کند خود را شبیه آنها بکند. ولی وقتی چنین فردی خود را با فردی خارج از گروه و با گروه مرجعی از طبقه اجتماعی بالاتری مقایسه می‌کند خود را پایین‌تر می‌بیند و سعی می‌کند از امکانات پیش‌رو برای نزدیک‌تر کردن خود به گروه مرجع غیرخودی نهایت استفاده را ببرد و این چنین انگیزه تحرك در وی افزایش پیدا می‌کند (Leites & Ramos, 2019).

از طرفی دیگر مرتون (۱۳۸۵) معتقد است غیرخودی‌ها به این دلیل که تصور می‌کنند در صورت پیوستن به گروه جدید از پایگاه بالاتری برخوردار می‌شوند به این کار متمایل می‌شوند. در واقع پایگاه جدید در مقایسه با پایگاه فعلی آنان سنجیده می‌شود. فرد ممکن است در پایگاه بعدی موقعیت پایین‌تری در کل آن گروه داشته باشد ولی می‌تواند پایگاه بالاتری در مقایسه با عضویت قبلی به دست آورد. اگرچه پیوستن آنها موجب خواهد شد از پایگاه قبلی بالاتر در گروه به پایگاه پایین‌تر در گروه جدید نزول کنند ولی باز دست به این کار می‌زنند؛ زیرا به نظرشان در کل از موقعیت بهتری برخوردارند. در واقع افرادی که در گروه قبلی طمع موقعیت بالاتری دارند ولی احتمال کمتری می‌دهند که به این موقعیت دست یابند بیشتر از سایرین مستعد پیوستن به گروه جدید هستند؛ بنابراین در حالت کلی می‌توان گفت این ارتباط دوطرفه است افرادی که انگیزه تحرك اجتماعى بالاتری دارند گروه‌های مرجع با موقعیت بالاتر برای خود برمی‌گزینند و از طرفی دیگر با انتخاب گروه‌های مرجع با موقعیت بالاتر امکان و انگیزه تحرك آنها هم بیشتر از قبل می‌شود.

به عبارتی دیگر در شرایطی که گروه‌های مرجع غیرخودی پایگاه نسبتاً بالاتری در مقایسه با گروه‌های خودی به فرد اعطا نمایند فرد ترجیح می‌دهد تا گروه مرجع خود را از گروه غیرخودی برگزیند. به همین دلیل است که افراد منزوی در گروه آمادگی بیشتری دارند تا ارزش‌های گروه‌های غیرخودی را به‌منزله چهارچوب‌های هنجاری مرجع برگزینند (مرتون، ۱۳۸۵).

از طرفی دیگر می‌توان گفت ارتباط بین گروه مرجع و تحرك اجتماعى می‌تواند ارتباطی دوسویه باشد. یعنی گرایش غیر عضو به گروه مرجع غیرخودی دو جنبه دارد،

یکی مربوط می‌شود به وضعیت غیر عضو در گروه قبلی و وضعیت قابل‌پیش‌بینی او در گروه جدید و دیگری مربوط می‌شود به ساختار جامعه از جهت تحرک اجتماعی و باز و بسته بودن گروه. نظام‌های باز مشوق نرخ بالا و نظام‌های بسته مشوق نرخ پایین ارجاع مثبت به گروه‌های غیرخودی هستند (مرتون، ۱۳۸۵). نرخ تحرک اجتماعی عملاً زمینه ذهنی برای امکان تغییر عضویت را فراهم می‌کند. این تمایل به عضویت است که اساسی برای گزینش گروه مرجع غیرخودی می‌شود. درواقع نرخ تحرک اجتماعی موجب می‌شود که مرزهای میان طبقات، اقشار و سایر گروه‌های اجتماعی کمرنگ شود و وقتی کمرنگ شد، امکان تغییر عضویت فراهم می‌شود. به عبارتی دیگر جامعه باز فضا را برای انتخاب گروه‌های مرجع متنوع فراهم می‌کند.

فرضیه دوم: سرمایه فرهنگی در انگیزه تحرک اجتماعی دانشجویان نقش دارد.

نتایج نشان می‌دهد نقش سرمایه فرهنگی و ابعاد آن که شامل: تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه‌شده می‌باشد بر تحرک اجتماعی متفاوت است و سرمایه فرهنگی می‌تواند ۳۰ درصد از واریانس انگیزه تحرک اجتماعی را پیش‌بینی کند. به عبارت دیگر میزان تمایل و گرایش فرد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی (مانند کتاب‌ها، نقاشی‌ها، کارهای هنری)، میزان تمایل و گرایش فرد به تملک کالاهای فرهنگی و مدارک تحصیلی دانشگاهی و رسمی فرد می‌توانند بر انگیزه فرد به تحرک اجتماعی نقش داشته باشند.

از دیدگاه بورديو حجم و ترکیب انواع سرمایه‌های فرد (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نمادین) جایگاه وی را در سلسله‌مراتب میدان مشخص می‌کند که در این بین نقش سرمایه فرهنگی مهم‌تر است. سرمایه فرهنگی، سلیقه‌های خوب، راه و رسم هنر، موسیقی کلاسیک، تئاتر و ادبیات و غیره را دربرمی‌گیرد. داشتن سرمایه فرهنگی سبب می‌شود فرد بتواند از زندگی روزمره خود جدا شود و دست به انتخاب در عرصه فرهنگ بزند (فاضلی، ۱۳۸۲).

بورديو (۱۳۸۰) سرمایه فرهنگی را عامل اصلی تعیین‌کننده شانس‌های زندگی می‌داند. بورديو بر این باور است که ساختار اجتماعی یک فرهنگ می‌تواند مبنای نظمی باشد که به فرد قدرت و امتیازهای اجتماعی می‌دهد. او تحصیلات را مظهر پیشرفت اجتماعی می‌داند و معتقد است افرادی که از سرمایه فرهنگی بهتری برخوردارند و تحصیلات بهتری دارند، شغل بهتری پیدا می‌کنند.

از طرفی دیگر در ساختار اجتماعی متصلب که تحرک اجتماعی کمتری وجود دارد، افرادی که در رأس قرار دارند به دلیل روابط و شبکه‌هایی که دارند، منابع

فرهنگی بیشتر و بهتری دارند (بورديو، ۱۳۸۰) و این منابع و سرمایه‌های فرهنگی می‌تواند قدرت و امتیازهای اجتماعی برای فرد به‌دنبال داشته باشد. از این‌رو سرمایه فرهنگی برای کسانی که آن را ندارند، به‌عنوان یک مانع پنهان در روند تحرک اجتماعی عمل می‌کند (Nunn & et al., 2007).

قابل ذکر است این یافته با یافته‌های حاصل از مطالعات مهدیلو (۱۳۹۹)، ناییبی و معصومی‌راد (۱۳۹۰)، زارع و لطفی (۱۳۹۴)، خدابنده‌لو (۱۳۷۲)، عذرالحسن^۱ و همکاران (۲۰۲۰)، ریوز و وریز^۲ (۲۰۱۸)، جورج^۳ (۲۰۰۴) هم‌راستا است؛ برای مثال ریوز و وریز (۲۰۱۸) اشاره کرده‌اند کسانی که سرمایه فرهنگی بالایی دارند در آینده حقوق بیشتری دریافت کرده، به موقعیت‌های اجتماعی بالاتر و مراتب علمی بالاتر دست می‌یابند. مصرف فرهنگی می‌تواند به‌عنوان سرمایه فرهنگی در برخی بازارها عمل کند و به‌طور بالقوه منجر به بازتولید نابرابری درآمدی بین نسل‌ها گردد. خدابنده‌لو (۱۳۷۲) نشان داد که عوامل سواد و تحصیل تأثیر بیشتری بر تحرک صعودی دارند. به نظر آنها مهم‌ترین عاملی که می‌تواند تعیین‌کننده میزان تحرک باشد سطح سواد و تحصیلات است. از سوی دیگر، غفاری و حقیقتیان (۱۳۹۶) با بررسی رابطه سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و تحرک اجتماعی دریافتند که بین این دو متغیر رابطه‌ای وجود ندارد بلکه بالا بودن سطح تحصیلات یا داشتن مدرک علمی و حرفه‌ای و کسب مهارت‌ها و تحصیلات علمی افراد را به جایگاه اجتماعی بالاتری می‌رساند.

علاوه بر موارد مطروحه، مدل مفهومی پژوهش (جدول ۶) نشان داد که پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده فرد هم می‌تواند بر انگیزه تحرک اجتماعی وی اثرگذار باشد، به این صورت که هرچه فرد از طبقات اجتماعی بالاتری باشد انگیزه تحرک اجتماعی در وی کمتر است. این یافته همسو با نتایج مطالعه زارع و لطفی (۱۳۹۲) و کاظمی‌پور (۱۳۷۸) است که نشان دادند فرزندان که در خانواده‌های با طبقات اجتماعی بالاتر رشد می‌کنند تحرک صعودی کمتری را تجربه می‌کنند.

درنهایت می‌توان گفت همان‌طور که از بررسی مدل مفهومی پژوهش هم به‌دست آمد گروه مرجع، سرمایه فرهنگی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی سه متغیر مهم اثرگذار بر انگیزه تحرک اجتماعی بودند. به‌صورتی که انتخاب گروه مرجع خودی یا غیرخودی می‌تواند انگیزه فرد نسبت به تحرک را تحت‌الشعاع قرار دهد.

1. Uzair-ul-Hassan
2. Reeves and Vries
3. Georg

به عبارت دیگر در شرایطی که فرد متوجه شود گروه‌های مرجع غیر خودی نسبت به گروه‌های خودی پایگاه اجتماعی اقتصادی بهتری برای او به ارمغان می‌آورند، گروه مرجع خود را از گروه‌های غیر خودی برمی‌گزیند. از طرفی دیگر خود تحرک اجتماعی موجب می‌شود فاصله میان طبقات اجتماعی کمتر شده و حرکت افراد در بین طبقات تسهیل شود که خود برابری را در جامعه افزایش می‌دهد. از طرفی دیگر، وقتی فرد سرمایه فرهنگی بالاتری داشته باشد، هم به واسطه خود سرمایه فرهنگی بالاتر (مثلاً تحصیلات بالاتر) و هم به واسطه تبدیل این سرمایه به انواع سرمایه‌های دیگر، نگرش متفاوتی نسبت به تحرک اجتماعی اتخاذ می‌کند و حتی ممکن است پایگاه خود را در جامعه تغییر دهد. از این رو سرمایه فرهنگی می‌تواند از عوامل مهم تأثیرگذار بر تحرک اجتماعی باشد. از طرفی دیگر پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد هم می‌تواند بر میزان تحرک اجتماعی آنها اثرگذار باشد به صورتی که افراد متمول که به آسانی قادر به ارضای خواسته‌های خود هستند، انگیزه کمتری برای تحرک اجتماعی از خود نشان می‌دهند.

در نهایت، با توجه به نقش مهم تحرک اجتماعی پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی به بررسی موارد ذیل پرداخته شود: سایر عوامل مؤثر بر تحرک اجتماعی، پیامدهای تحرک اجتماعی بر افراد دارای تحرک اجتماعی رو به بالا، و در نهایت بررسی عوامل مؤثر بر تحرک اجتماعی در نمونه غیر دانشجویی. از جمله پیشنهادهای کاربردی پژوهش می‌توان به انجام اقداماتی در جهت افزایش سرمایه فرهنگی از جمله تسهیل آموزش رایگان برای تمامی شهروندان، ایجاد اینترنت پرسرعت رایگان، افزایش آگاهی شهروندان از هنر و تسهیل در ایجاد NGOها برای عضویت و فعالیت افراد در آنها اشاره کرد. همچنین پیشنهاد می‌شود وضعیت کشور ایران و کشورهای دیگر در رسانه‌های ملی به صورت واقع‌بینانه به تصویر کشیده شود تا آگاهی مردم افزایش یابد و بتوانند آگاهانه گروه‌های مرجع خود را انتخاب کنند.

فهرست منابع

- آراسته‌خو، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی. تهران: چاپخش.
- استونز، راب (۱۳۹۳). متفکران بزرگ جامعه‌شناس. ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: مرکز.
- بحری پور، عباس؛ ذوالفقاری، ابوالفضل و رستگار خالد، امیر (۱۳۹۱). بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان کاشان). پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۱(۴)، ۸۹-۱۰۹.
- بور دیو، پیر (۱۳۸۰). نظریه کنش. ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: نقش‌ونگار.
- تراسبی، دیوید (۱۳۹۷). اقتصاد و فرهنگ. ترجمه کاظم فرهادی، تهران: نی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۳). تحلیلی از اندیشه پیر بور دیو درباره فضای منازعه‌آمیز اجتماعی و نقش جامعه‌شناسی. نامه علوم اجتماعی، ۱۱(۳).
- خدابنده‌لو، سعید (۱۳۷۲). تحرک اجتماعی (بین نسلی): مطالعه موردی شهر کرمانشاه. (پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- خسروی، سحر؛ محسنی تبریزی، علیرضا و آقاجانی مرسا، حسین (۱۴۰۰). تبیین جامعه‌شناختی سهم سرمایه اجتماعی در تحرک اجتماعی. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۳(۲)، ۹۹-۱۱۳.
- رحیمی‌زاد، فائزه (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر تنبلی اجتماعی دانشجویان. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده پردیس نیمه حضوری. مرکز آموزش‌های تخصصی آزاد، تهران، ایران.
- رستگار خالد، امیر؛ محمدی، میثم و پاکباز، سکینه (۱۳۹۲). رابطه بین سرمایه فرهنگی و کیفیت زندگی. فصلنامه توسعه اجتماعی، ۷(۷)، ۷۷-۱۰۶.
- زارع، بیژن و لطفی، مهوش (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تحرک بین‌نسلی در شهر کرمانشاه. مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، ۱(۱)، ۱۱۳-۱۳۹.
- زارع، بیژن و لطفی، مهوش (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی تحرک اجتماعی بین نسلی در شهر کرمانشاه. تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی. پژوهشنامه علوم انسانی، ۷(۱).
- شهریاری پور، رضا؛ امین‌بیدختی، علی‌اکبر؛ محمدی‌فر، محمدعلی و کیانی، کورش (۱۳۹۵). پیش‌بینی گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه از کشور بر اساس تأثیر میزان رضایت و نگرش آنان نسبت به تصویر و جو دانشگاه (مطالعه موردی):

دانشگاه سمنان). آموزش عالی ایران، ۸(۳)، ۲۶-۴۹.

غفاری، زهرا و حقیقتیان، منصور (۱۳۹۶). تأثیر سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته (ذهنی) بر تحرک اجتماعی میان نسلی (مورد مطالعه: شهروندان ۳۰ تا ۵۴ ساله شهر گرگان). فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، ۱۱(۴)، ۱۸۳-۲۰۶.

فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. تهران: صبح صادق.

فیروزجائیان، علی اصغر و شریفی‌مقدم، پرویز (۱۳۹۶). تحلیل تنبلی دانشگاهی به مثابه تنبلی اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه مازندران. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و هشتم، (۴)، ۵-۷۰.

کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۷۸). الگویی در تعیین پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران. نامه علوم اجتماعی، (۱۴)، ۱۷۲-۱۳۹.

کرمی، فرید (۱۳۹۹). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر تحرک اجتماعی (بین نسلی) زنان شهر دهلران. دانشگاه شهید چمران اهواز.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نی.

لطفی، مژگان (۱۳۸۷). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و فرهنگی با تحرک اجتماعی. (پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی). دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

مجدالدین، اکبر (۱۳۹۶). بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان. پژوهشنامه علوم انسانی، (۵۳)، ۳۷۵-۳۸۶.

مرتون، رابرت (۱۳۸۵). مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی. ترجمه نوین تولایی، تهران: امیرکبیر.

موسوی، کمال‌الدین و جوادی، سمانه‌سادات (۱۳۹۷). بررسی نقش استفاده از اینترنت در میزان بروز عادات و خصلت‌های منفی فرهنگی: مطالعه موردی شهر کاشان. فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال چهارم، (۱۴)، ۲۴۹-۲۸۱.

مهدی‌لو، م (۱۳۹۹). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تحرک اجتماعی دانشجویان - معلمان دانشگاه فرهنگیان / رومیه. (پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی). دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

ناییبی، هوشنگ و معصومی‌راد، رضا (۱۳۹۰). بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر تحرک اجتماعی مردان ۳۵ تا ۶۵ ساله شهر تهران. مطالعات جامعه‌شناختی، ۱۸(۳۹)، ۳۴-۱.

هاشم‌زهی، نوروز و قدیمی، بهرام (۱۳۹۹). تحرک اجتماعی میان‌نسلی در بین شهروندان تهرانی. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱(۲)، ۲۰۱-۲۳۲.

- Chetty, R.; Hendren, N.; Kline, P. & Saez, E. (2014). Where is the land of opportunity? The geography of intergenerational mobility in the United States. *Quarterly Journal of Economics*, 129(4), 1553-1623.
- Delajara, M.; Vázquez, R. & Grajales, R. (2020). *Social mobility in Mexico, What can we learn from its regional variation?* Agence Française de Développement Working Paper.
- Dodin, M. F.; Henkel, L.; Sachs, D. & Schüle, P. (2021). *Social Mobility in Germany*. CESifo Working Paper No. 9200, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3892624> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3892624>.
- Georg, W. (2004). Cultural capital and social inequality in the life course. *European Sociological Review*, 20(4), 333-344.
- Iversen, K. (2017). *Cultural Capital, Reference Group, and Social Mobility in India*. Economic & Political Weekly.
- Leites, M. & Ramos, X. (2019). Intergenerational mobility and reference groups. *Serie Documentos de Trabajo*, 19-23.
- Lipset, S. & Bendix, R. (1959). *Social Mobility in Industrial Society*. Berkeley: University of California Press.
- Lipset, S. M. (2018). *Social mobility in industrial society*. Routledge.
- Nunn, A.; Johnson, S.; Monro, S.; Bickerstaffe, T. & Kelsey, S. (2007). *Factors influencing social mobility*. Technical Report. Her Majesty's Stationery Office. available at <http://eprints.hud.ac.uk/id/eprint/6057/>.
- Piketty, T. (2000). *Theories of persistent inequality and intergenerational mobility in A.B. Atkinson and F. Bourguignon (eds.), Handbook of Income Distribution (Vol. 1)*. Amsterdam.
- Reeves, A. & Vries, R. (2018). Can cultural consumption increase future earnings? Exploring the economic returns to cultural capital. *The British journal of sociology*, 214-240.
- Uzair-ul-Hassan, M.; Parveen, I. & Saleem, S. (2020). Education Participation and Social Mobility Implications of Cultural Capital in Women's Highe. *Pakistan Journal of Education*, 36(3), 145-169.
- Xie, Y.; Dong, H.; Zhou, X. & Song, X. (2022). Trends in social mobility in postrevolution China. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 119(7).

References

- Arastekho, M. (2002). Dictionary of scientific and social terms, Tehran: Chapakhsh.
- Bahripour, A., Zulfiqari, A., & Rastgar Khaled, A. (2012). Investigating the relationship between social trust and feeling of social security (case study of Kashan city), *Strategic Researches of Security and Social Order*, 1(4), 89-109.
- Bourdieu, P. (2001). Theory of Action, translated in Persian by Mardiha M., Tehran: Naqshvonagar.
- Chetty, R., Hendren, N., Kline, P., & Saez, E. (2014). Where is the land of opportunity? The geography of intergenerational mobility in the United States. *Quarterly Journal of Economics*, 129(4), 1553-1623.
- Cohen, B. (2015). Basics of Sociology, translated in Persian by Tavasoli G.A., Tehran: Samt.
- Deaux, K., & Major, B. (1955). Putting gender into context: An interactive model of gender-related behavior. *Psychological Review*, 94(3), 369-389.
- Delajara, M., Vázquez, R., & Grajales, R. (2020). Social mobility in Mexico, What can we learn from its regional variation? Agence Française de Développement Working Paper.
- Dodin, M. F., Henkel, L., Sachs, D., & Schüle, P. (2021). Social Mobility in Germany. CESifo Working Paper No. 9200, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3892624> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3892624>.
- Fazli, M. (2012). Consumption and lifestyle, Tehran: Sobh Sadegh.
- Firozjaian, A.A., & Sharifi Moghadam, P. (2016). Analysis of academic laziness as social laziness among students of Mazandaran University. *Applied Sociology*, year 28, (4), 5-70.
- Georg, W. (2004). Cultural capital and social inequality in the life course. *European Sociological Review*, 20(4), 333-344.
- Ghafari, Z. & Haghghatian, M. (2016). The effect of embodied (mental) cultural capital on intergenerational social mobility (case study: 30-54-year-old residents of Gorgan), *Social Development Quarterly (formerly Human Development)*, 11(4), 183-206.
- Giddens, A. (2002). Basics of Sociology, translated in Persian by Sabouri Kashani M., Tehran: Ni.
- Hashemzahi, N. & Ghadimi, B. (2019). Intergenerational social mobility among Tehran residents. *Examining Iran's social issues*. 11(2), 201-232.
- Iversen, K. (2017). Cultural Capital, Reference Group, and Social Mobility in India. *Economic & Political Weekly*.
- Karami, F. (2019). "Investigation of sociological factors affecting the social mobility (intergenerational) of women in Dehloran city", *Shahid Chamran University of Ahvaz*.
- Kazmipour, Sh. (1378). A model for determining the socioeconomic status of individuals and measuring social mobility based on a case study in

- Tehran. *Social Science Letters* (14), 172-139.
- Khodabandelou, S. (1993). "Social Mobility (Intergenerational): A Case Study of Kermanshah City", Doctorate Sociology Thesis, Tarbiat Modares University.
- Khosravi, S., Mohseni Tabrizi, A., & Aghajani Mersa, H. (1400). Sociological explanation of the contribution of social capital in social mobility. *Iranian Social Development Studies*, 13(2), 99-113.
- Leites, M., & Ramos, X. (2019). Intergenerational mobility and reference groups. *Serie Documentos de Trabajo*, 19-23.
- Lipset, S. M. (2018). *Social mobility in industrial society*. Routledge.
- Lipset, S., & Bendix, R. (1959). *Social Mobility in Industrial Society*. Berkeley: University of California Press.
- Lotfi, M. (2007). Investigating the relationship between social and cultural capital and social mobility, doctoral dissertation in sociology, Al-Zahra University.
- Mahdilou, M. (2018). "Investigation of social factors affecting the social mobility of students-teachers of Farhangian University of Urmia", doctoral dissertation in sociology, Tabriz University.
- Majeddin, A. (2016). Investigating the reasons and effects of increasing the marriage age of rural girls in Ashtian, *Journal of Humanities*, (53), 375-386.
- Merton, R. (2006). *Social problems and sociological theory*, translated in Persian by Tolai N., Tehran: Amir Kabir.
- Mousavi, K. & Javadi, S. (2017). Investigating the role of internet use in the occurrence of negative cultural habits and traits: a case study of Kashan city. *New Media Studies Quarterly*, Year Four, (14), 281-249.
- Naibi, H. & Masoumi-Rad R. (2013). Investigating cultural factors affecting the social mobility of men aged 35 to 65 in Tehran, *Sociological Studies*, 18(39), 1-34.
- Nunn, A., Johnson, S., Monro, S., Bickerstaffe, T., & Kelsey, S. (2007). Factors influencing social mobility. Technical Report. Her Majesty's Stationery Office. available at <http://eprints.hud.ac.uk/id/eprint/6057/>.
- Piketty, T. (2000). Theories of persistent inequality and intergenerational mobility in A.B. Atkinson and F. Bourguignon (eds.), *Handbook of Income Distribution* (Vol. 1). Amsterdam.
- Rahimizad, F. (2015). Investigating the factors affecting the social laziness of students. Master's thesis, Allameh Tabatabai University, part-time campus faculty. Free specialized training center.
- Rastgar Khalid, A., Mohammadi, M., & Pakbaz, S. (2012). The relationship between cultural capital and quality of life. *Social Development Quarterly*, (7), 106-77.
- Reeves, A. & Vries, R. (2018). Can cultural consumption increase future earnings? Exploring the economic returns to cultural capital. *The British journal of sociology*, 214-240.
- Shahryaripour, R, Aminbeidokhti, A.K., Mohammadifar, M.A., & Kiani, K. (2017). Prediction of the tendency of the elite students to emigrate

- from the country based on the effect of their satisfaction and attitude towards the image and atmosphere of the university (case study: Semnan University), *Journal of Iranian Higher Education*, 8(3), 26-49.
- Stones, R. (2013). *Great Sociological Thinkers*, translated in Persian by Mirdamadi M., Tehran: Center.
- Tavasoli, G.H. (2004). An analysis of Pierre Bourdieu's thought about the conflicting social environment and the role of sociology. *Social Science Letters*, 11(3).
- Throsby, D. (2017). *Economy and Culture*, translated in Persian by Farhadi K., Tehran: Ni.
- Uzair-ul-Hassan, M., Parveen, I., & Saleem, S. (2020). Education Participation and Social Mobility Implications of Cultural Capital in Women's High. *Pakistan Journal of Education*, 36(3), 145-169.
- Xie, Y., Dong, H., Zhou, X., & Song, X. (2022). Trends in social mobility in postrevolution China. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 119(7).
- Zare, B., & Lotfi, M. (2012). Investigating social factors affecting intergenerational mobility in Kermanshah city. *Iran's Social Issues*, fourth year, (1), 113-139.
- Zare, B., & Lotfi, M. (2014). Sociological analysis of intergenerational social mobility in Kermanshah city. *Social analysis of social order and inequality. Journal of Human Sciences*, 7(1).

